

## Explaining the Commercial Position and Economic Importance of Bukhara during the Samanid Era

Hassan Asadi<sup>1</sup> , Mohsen Parvish<sup>1</sup> 

1. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil. Iran. E-mail: [hasanasadi533@yahoo.com](mailto:hasanasadi533@yahoo.com)

2. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil. Iran. E-mail: [mohsen.parvish@yahoo.com](mailto:mohsen.parvish@yahoo.com)

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received 10 April 2023

Received in revised form

12 July 2023

Accepted

25 July 2023

Available online

27 September 2025

#### Keywords:

Transoxiana,

Bukhara,

Samanids,

Economic Prosperity

### ABSTRACT

Relying on historical and geographical sources, this article seeks to explain the commercial position and economic importance of Bukhara during the Samanid period. Since the time of Amir Ismail I, Bukhara, as the main capital of the Samanids, enjoyed a remarkable status and significance throughout the eastern territories of the Islamic world. Owing to its location along the Silk Road, Bukhara was regarded as one of the major economic and commercial centers of the period. Despite the city's great importance in trade relations and the establishment of economic connections with other regions of the Islamic world, most previous studies have largely overlooked its economic and commercial aspects. Therefore, this study, using a descriptive-analytical method and library-based sources, examines Bukhara's commercial position and economic significance during the Samanid era. The findings indicate that Bukhara's geographical location—as the center of the eastern Islamic Caliphate and Iran—along with the Samanid rulers' economic policies, led to the prosperity of trade and commerce in this region.

**Cite this article:** Asadi, H., Parvish, M. (2025). Explaining the Commercial Position and Economic Importance of Bukhara during the Samanid Era. *Historical Studies of the Islamic World*, 35 (3), 44-64.  
<https://doi.org/10.22034/mte.2023.15681.1701>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

DOI: <https://doi.org/10.22034/mte.2023.15681.1701>

## تبیین موقعیت تجاری و اهمیت اقتصادی شهر بخارا در عصر سامانیان

حسن اسدی<sup>۱</sup> ✉، محسن پرویش<sup>۲</sup> ID

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

رایانامه: [hasanasadi533@yahoo.com](mailto:hasanasadi533@yahoo.com)

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

رایانامه: [mohsen.parvish@yahoo.com](mailto:mohsen.parvish@yahoo.com)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

این مقاله با تکیه بر منابع تاریخی و جغرافیایی درصدد تبیین موقعیت تجاری و اهمیت اقتصادی بخارا در عصر سامانیان است. چرا که بخارا از زمان امیر اسماعیل اول به عنوان پایتخت اصلی سامانیان از جایگاه و اهمیت زیادی در سراسر سرزمین‌های شرق جهان اسلام برخوردار بود. به طوری که از بخارا به دلیل قرارگرفتن در مسیر جاده ابریشم به عنوان یکی از کانون‌های اقتصادی و مبادلاتی این دوره یاد می‌شود. با وجود اهمیت فراوانی که شهر بخارا در روابط تجاری و ایجاد پیوندهای اقتصادی با سایر نقاط جهان اسلام داشت، در مطالعات انجام شده پیرامون بخارا غالباً وجه اقتصادی و تجاری آن مورد غفلت واقع شده است. از این‌رو این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای درصدد بررسی موقعیت تجاری و اهمیت اقتصادی بخارا در عصر سامانیان است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که موقعیت جغرافیایی بخارا به عنوان مرکز دنیای شرق خلافت و ایران در کنار اعمال سیاست‌های اقتصادی حکام سامانی در این ناحیه منجر به رونق تجارت و بازرگانی شده بود.

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

کلیدواژه‌ها:

ماوراء النهر،

بخارا،

سامانیان،

رونق اقتصادی.

استناد: اسدی، حسن؛ پرویش، محسن (۱۴۰۴). تبیین موقعیت تجاری و اهمیت اقتصادی شهر بخارا در عصر سامانیان. *مطالعات تاریخی جهان اسلام*.

<https://doi.org/10.22034/mte.2023.15681.1701.۶۴-۴۴>، (۱) ۳۵



## مقدمه

ماوراء النهر از نظر تاریخی دارای قدمت بسیاری است. اهمیت استراتژیکی و استعدادهای انسانی و طبیعی این سرزمین کهن باعث گردیده است که از دیرباز مرکز حکومت سلسله‌های مختلف ایرانی باشد. از جهت اقتصادی این منطقه از عهد باستان به دلیل قرار گرفتن در مسیر جاده تجاری ابریشم و به عنوان مهم‌ترین ایالت شمال شرقی سرزمین‌های اسلامی حائز اهمیت بوده و به صورت پل ارتباطی شرق و غرب مدیترانه را به ایران و چین مربوط می‌ساخته است. راه ابریشم که قدیمی‌ترین راه ارتباطی با نواحی شرقی و غربی بود، در مسیرهای مختلف از شهرهای ماوراء النهر عبور می‌کرد. در این میان بخارا به عنوان یکی از مناطق مهم ماوراء النهر و همچنین پایتخت سامانیان از اهمیت ویژه‌ای در ابعاد اقتصادی و تجاری برخوردار بوده است؛ بنابراین مسئله اصلی پژوهش این است که با توجه به اهمیت بخارا و نقش مهمی که در تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ماوراء النهر ایفا می‌کرد، موقعیت تجاری و اقتصادی آن تبیین شود؛ بنابراین محور اصلی این مقاله بر یافته‌هایی استوار است که از پاسخ به پرسش‌های زیر به دست آمده است که عوامل تأثیرگذار در رونق و بهبود بخارا در دوره سامانی چه بوده است؟ مهم‌ترین پایه‌های اقتصادی بخارا در این مقطع زمانی چه بوده است؟

در باب پیشینه پژوهش باید عنوان کرد تاکنون کتاب‌ها و مقالاتی در باب حکومت سامانیان و همچنین اوضاع اقتصادی خراسان و ماوراء النهر در این مقطع زمانی انجام شده است. عزیز الله بیات در مقاله «اوضاع اقتصادی ماوراء النهر و خراسان در زمان حکومت سامانیان» به صورت مختصر به وضعیت اقتصادی بخارا اشاره کرده است. محمد نوع پسند و هیرو عیسوی هم در مقاله «سیاست‌های اقتصادی نظام‌های حکومتی سامانی و غزنوی» به دنبال آن بوده‌اند تا نشان دهند که سیاست‌های اقتصادی نظام‌های حکومتی سامانی و غزنوی چگونه بوده است و منابع مالی این دولت‌ها از کجا تأمین می‌شده است؟ «بخارا و نقش سامانیان در شکوفایی آن» نیز عنوان مقاله‌ای است که توسط حسین ایزدی و محمد حسینی نوشته شده است. نویسندگان در این مقاله بر آن بوده‌اند تا نقش سیاست‌های حکام سامانی را در رونق شهر بخارا ترسیم نمایند. ابوالحسن فیاض انوش و مریم آذرخش نیز در مقاله «جغرافیای اقتصادی ماوراء النهر از منظر مورخان و جغرافی‌دانان مسلمان» به صورت کلی بر اقتصاد ماوراء النهر توجه کرده‌اند که در این بین به صورت جزئی هم به بخارا پرداخته شده است. عبدالرسول خیراندیش هم در مقاله مسیر تجاری بخارا و خیوه و اهمیت آن در تاریخ تمدن جهانی به نقش راه‌ها در توسعه اقتصادی این منطقه می‌پردازد. حبیب زمانی محبوب و کورش صالحی هم در مقاله جغرافیای تاریخی سغد در

دوره اسلامی بر آن بودند تا علاوه بر اوضاع طبیعی و پیشینه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایالت سغد به اوضاع اقتصادی آن هم بپردازند که در این بین به صورت مختصر به بخارا اشاره کرده‌اند. امیر حسین حاتمی هم در مقاله بررسی و تحلیل جایگاه و اهمیت اقتصادی سمرقند در عصر سامانی اشاراتی به جغرافیای بخارا در این دوره دارد.

### پایه‌های اقتصادی بخارا در عصر سامانیان

با توجه به نوشته‌های جغرافی دانان مسلمان، در میان شهرهای اسلامی با صفاتر و زیباتر از بخارا در قرون نخستین اسلامی نبوده است. این مسئله خود تابع عوامل زیادی بوده است که بخارا را در عهد سامانیان به ویژه در دوره نخست این حکومت در میان همه بلاد ماوراء النهر بی‌بدیل نموده است. چنانکه بخارا دارالاماره سراسر خراسان به شمار می‌رفت و ابن حوقل آن را در مقابل همه ولایت ماوراء النهر قرار می‌دهد. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۰) قزوینی بخارا را شهری بزرگ و مشهور در ولایت ماوراء النهر عنوان می‌کند که در میان شهرهای جهان اسلام از همه زیباتر و با رونق‌تر است. (قزوینی، ۱۳۷۳: ۵۸۷) در منابع تاریخی نام اصلی بخارا به صورت «بومجکث» ذکر شده است. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۳۹؛ جوینی، ۱۳۶۷: ۷۶/۱) علی بن حسین مسعودی هم به بنای بخارا و اهمیت آن اشاره دارد. (مسعودی، ۱۳۴۹: ۶۲) برخی از مورخین بنای شهر را به جم نسبت می‌دهند. (لسترنج، ۱۳۷۷: ۴۹۰)

در نگاه اول شاید خواننده گمان برد که این توصیفات با اغراق فراوان همراه بوده است. اما نگاهی به تاریخ بخارا در دوره سامانیان حکایت از این دارد که این گفته‌ها و توصیفات به واقعیت بسیار نزدیک است. چرا که این منطقه به دلیل برخوردار بودن از خاک حاصلخیز و جاری بودن رودهای فراوان اقتصاد بخارا را دچار تحول نموده بود. به طور کلی مهم‌ترین مولفه‌های اقتصادی بخارا در عهد سامانی را می‌توان به موارد زیر تقسیم نمود:

### الف - کشاورزی و باغداری

موضوع زمین یکی از مولفه‌های مهم اقتصاد کشاورزی از دیرباز تاکنون بوده است. شاید علت شکوفایی کشاورزی و زمین‌داری بخارا را شرایط طبیعی و اقتصادی آن عنوان کرد. در تاریخ ایران بین کشاورزی و وجود نه‌های فراوان وابستگی فراوانی وجود داشته است. چرا که در مناطقی که آب بیشتری جریان داشت تراکم جمعیت هم تحت تأثیر قرار می‌گرفت. لمبتون اشاره دارد که کشاورزی در سده‌های سوم و چهارم بسیار پیشرفته بوده است و یک نظام آبیاری منظمی حاکم

بوده است. نتیجه این آبیاری توسعه یافته، تنوع محصولات کشاورزی و باغداری بوده است. (المبتون، ۱۳۷۲: ۱۷۳) بخش کشاورزی در اقتصاد دوره سامانی شامل فعالیت‌های مرتبط با زراعت، باغداری و دامپروری بود. اصطخری بخارا را منطقه‌ای توصیف می‌کند که باغ‌ها و بوستان‌ها در میان یکدیگر ساخته شده بود. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۴۰) به گفته ابن حوقل در دوره سامانی بخارا در میان شهرهای ماوراءالنهر به داشتن املاک آباد و مزارع پهناور و سبز و خرم ممتاز بود. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۰۱) اصطخری میوه بخارا را بهتر و خوش‌تر از تمام میوه‌های ماوراءالنهر می‌داند. اصطخری علت این مسئله را حاصلخیزی خاک بخارا عنوان می‌کند. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۴۳) چنانکه حاصلخیزی بخارا به اندازه‌ای بود که اگر کسی به قدر یک جریب زمین می‌داشت زندگی او با گروهی از منسوبان و افراد خانواده تأمین می‌شد. با وجود محصولات کشاورزی فراوان در بخارا اما به دلیل جمعیت زیاد خواربار و محصولات خودشان کفایت نمی‌کرد و مقداری از ارزاق و ما یحتاج آنان از سایر نواحی ماوراءالنهر تأمین می‌شد. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۵) مؤلف حدودالعالم بخارا را به عنوان آبادترین منطقه ماوراءالنهر و مستقر در ملک مشرق عنوان می‌کند که میوه‌های بسیار با آب‌های روان داشته است. (حدودالعالم، ۱۳۶۱: ۱۰۶) بیشتر این رودها از رود سغد سیراب می‌شدند. بیشتر این رودها پر آب بودند و در برخی از آنها کشتی در حال حرکت بود و همه آنها در داخل دیوار بخارا در محل طوایس از رود جدا می‌شدند و از آنجا به شهر می‌رسیدند. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۵) بر اساس گفته‌های اصطخری بخارا دشتی بود که هیچ کوه و بیابانی در اطراف آن قرار نداشت. از طرفی زمین‌های بخارا همه به آب نزدیک بود، به همین دلیل اصطخری معتقد بود «درختستان بلند نباشد، چون گوز و سپیدار و آنچه به این ماند، و اگر نهالی از آن بنشانند، دراز و بلند نشود». (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۴۵) ابن حوقل هم دلیل این که زمین‌های بخارا عموماً نزدیک به آب بود را به دلیل تجمع آب سغد می‌داند و معتقد است درختانی از قبیل چنار و گردو در آن جا دوامی ندارد و اگر هم باقی بماند بسیار کوتاه هستند. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۵) ابن حوقل همچنین اشاره دارد که بهترین ناحیه‌ای که در جهان اسلام دیده است بخارا است. او همچنین معتقد است که بخارا به زمین‌های کشاورزی حاصلخیز و کشتزارهای گسترده معروف بوده است. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲/۴۸۵) مقدسی بخارا را شهری با ارزش می‌داند. او ارزش يك خوره یا همان منطقه را به مهم بودن روستاهایش می‌داند که در این بین نیشابور و بخارا این ویژگی را دارا هستند در حالی که شهرهایشان اندك هستند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۶۵) اصطخری هم در همه اقلیم‌ها جایی را خوش‌تر و با نزهت‌تر از بخارا نمی‌داند؛ چنانکه اگر کسی نگاهی به کهن دژ بخارا بیاندازد چیزی

جز سرسبزی نمی‌بیند. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۳۰) شاید بهترین توصیف از شهر بخارا را ابن حوقل ارائه می‌کند. او اشاره دارد که شهری با صفاتر و زیباتر از بخارا نه دیده و نه شنیده است. چنانکه هنگامی که به بالای کهنه‌شهر بروی منظره بیرونی شهر را چنان می‌بینی که سبزه‌ها به آسمان آبی پیوسته است «گویی آسمان کبود بر بساطی سبز خم شده و کاخ‌ها چون سپرهای تبتی و ملطی می‌نماید» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۰۱)

یکی دیگر از نکات قابل توجه در اقتصاد بخارا تعدد روستاها و نواحی با اهمیت و بزرگ آن است که به گفته ابن حوقل مردم شهرهای دیگر از داشتن این گونه آبادی‌ها بی‌بهره بودند. اگر هم ناحیه یا اقلیمی هم شبیه به منطقه بخارا بود در حاصلخیزی و فراخی نعمت به پای آن نمی‌رسید. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۳)

حکام سامانی هم برای جلب نظر توده مردم تلاش‌های فراوانی نمودند؛ چنانکه امیر اسماعیل احمد قسمتی از اراضی بخارا را خریداری نمود و برای رعایای حکومت خود در نظر گرفت تا برای خود خانه و باغ‌هایی بسازند. نرشخی به ذکر جوی مولیان اشاره دارد که امیر اسماعیل سامانی در جوی مولیان باغ‌ها و بوستان‌های زیادی ساخت و آن را بیشتر بر مولیان وقف کرد و پیوسته او از جهت مولیان دل مشغولی فراوانی داشت. تا روزی امیر اسماعیل از حصار بخارا به جوی مولیان نگاه می‌کرد و به یکی از نزدیکان خود گفت که آیا می‌شود که «خداوند تعالی سببی سازد تا این ضیاع را از بهر شما بخرم، و مرا زندگانی دهد تا ببینم که این (ضیاع) شما را شده (است)، از آن که این ضیاع از همه ضیاع بخارا قیمت‌تر است، و خوش‌تر (و خوش‌گوار). خدای تعالی روزی کرد تا جمله بخرید، و بر مولیان داد، تا جوی مولیان نام شد.» (نرشخی، ۱۳۶۳: ۳۹) نرشخی این را هم اضافه می‌کند که بعد از امیر اسماعیل سامانی فرزندان و جانشینان او باغ‌ها و بوستان‌های زیادی در جوی مولیان به دلیل خوشی و آب و هوای پاکیزه آن ساختند؛ اما در اواخر دوره سامانی این بناها و جوی مولیان از رونق افتاده است و بعد از دوره سامانی این ناحیه به خرابه‌ای تبدیل شده است. (همان، ۴۰) نکته قابل توجه در عهد سامانیان این بود که دولت و جامعه بر کشاورزی متکی بودند و فراوانی و محصولات کشاورزی هم در اکثر نواحی مملکت متکی بر نظام و سیستم آبیاری بود و خود آبیاری هم در نتیجه بعضی از عوامل و در ارتباط با تجربه و تحول در بین آنهاست که درآمدشان متکی بر کشاورزی بود بسیار نوسان داشت و دقت نظر خاصی را می‌طلبید. لمبتون اشاره دارد که بدون وجود درصدهای امنیتی سیاسی، سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر نبود. از این رو امنیت با ثبات و نظم و نسق دولت با پشتیبانی نیروهای وابسته موجب پیشرفت کشاورزی می‌شد. (لمبتون، ۱۳۷۲: ۱۷۶)

منطقه ماوراء النهر جزو نواحی محسوب می‌شد که از لحاظ زراعی و حاصلخیزی خاک بسیار مهم بود. از این‌رو برای زراعت مردم از کانال‌ها و آب‌های جاری بهره می‌بردند. به همین دلیل است که منابع جغرافیایی و تاریخی دوره سامانیان از زمین‌های کشاورزی پهناور و حاصلخیز در کنار باغ‌های گسترده با میوه‌های خوشمزه یاد می‌کنند که این وضعیت مرهون رودهای پر آبی بود که سرزمین ماوراء النهر را سیراب می‌کرد. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۳۸۱) در کنار رودهای پر آب، شبکه‌های طبیعی آبیاری همراه با سیستم‌های آبیاری مصنوعی یکی دیگر از عوامل رونق کشاورزی و باغداری در بخارا بوده است. چنانکه بخارا و اطراف آن به وسیله رود سغد آبیاری می‌شد. از مهم‌ترین رودهای بخارا می‌توان به رود کرمنه، رود شاپور کام یا شافر کام، خرقانه العلیا، خرقان رود، (عاو) ختفر، سامجن، بیکان رود، فراوز العلیا، فراوز السفلی، اروان، رود زر اشاره کرد. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۴۵)

در اثر سیاست‌های حکام سامانی محصولات کشاورزی رشد قابل ملاحظه‌ای یافت. چرا که عامل سیاسی در پیشرفت کشاورزی از اهمیت خاصی برخوردار است. در واقع این یک رابطه دوطرفه است. همچنان که کشاورزی هم در آبادانی یک کشور بسیار مهم است و یک کشاورزی پیشرفته مرهون حسن اداره حکومت مرکزی بود. در واقع تشکیلات سیاسی برجسته و چشمگیر در کنار انجام و اجرای درست کشاورزی حاصل می‌شد. (لمبتون، ۱۳۷۲: ۱۷۶) چنانچه مقدسی از محصولات کشاورزی برنج و بادام و مویز و عنجد و روغن و شیره آفتابی انگور و انجیر و انار دانه و سایر میوه‌ها به عنوان محصولات صادراتی ماوراء النهر نام برده است. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۷۵) ضمن اینکه مقدسی خربزه بخارا را که به ساف هم مشهور بوده است را بی نظیر توصیف می‌کند. (همان، ۴۷۶) در کنار این‌ها، نظام توزیع آب هم در رونق باغداری و کشاورزی بخارا نقش مهمی ایفا کرده است. نرشخی اشاره دارد که برای آبیاری باغات بخارا به صورت عادلانه و از روی انصاف تقسیم می‌شده است و همین عاملی بوده است تا افراد متمول و قدرتمند بر رعیت و قشر ضعیف جامعه ستم نکنند. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۶) برای سنجش آب در ماوراء النهر لوحی در آنجا گذاشته بودند که به درازی آن خط‌های افقی وجود داشت. پس هرگاه آب تا خط شصتم بالا می‌آمد، سال حاصلخیز پیش بینی می‌شد. از این‌رو مردم خوشحال شده آب سنج‌های دیگر را بر می‌داشتند، و هرگاه آب در خط ششم می‌ماند حکایت از خشکسالی داشت. جایگاه آب سنج در یک فرسنگی شهر در یک استخر گرد واقع شده بود. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۸۴) البته ابن حوقل جایگاه آب سنج را در نیم فرسنگی عنوان می‌کند. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۳۶) بنابراین مسئول سنجش گزارش‌های آن را با برید ویژه به دفتر رودخانه می‌رساند و از آنجا مسئولان امر گزارش را

به شاخه‌های دیگر رودخانه می‌رسانند، تا آب را بر پایه اندازه تازه بخش‌بندی کنند. به همین دلیل است که مقدسی معتقد است که تقسیم‌بندی آب بهتر از آن‌چه در آن‌جا بود وجود ندارد. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۸۴)

### ب- تجارت و بازرگانی بخارا

گسترش تجارت و تأسیس نظام اداری گسترده و تشکیلات وسیع انتظامی و نظامی به توسعه شهرها در دوران حکومت سامانیان انجامید. در بعضی از شهرهای بزرگ ماوراءالنهر مانند بخارا و سمرقند دیواری بسیار قطور و طولانی با برج‌های متعدد اطراف ربض را فرا گرفته بود و دروازه‌هایی متعدد ربض را به نواحی دیگر مربوط می‌ساخت. در دوره سامانیان، شهر بخارا از رشد و توسعه زیادی برخوردار شد. از دلایل این امر هم می‌توان به مبادلات بازرگانی میان شرق و غرب و گذشتن جاده ابریشم اشاره نمود. (خسروی، بیتا: ۶۱۰)

در این دوره بازار مرکز عمده فعالیت‌های اقتصادی و محل داد و ستد و بازرگانی بود و به رشته‌های مختلف تقسیم می‌شده است. قسمت مرکزی شهر بخارا اختصاص به بازارهای مختلف داشت. این بازارها به راسته‌های مختلفی تقسیم می‌شد. این بازارها معمولاً بی‌نیاز از غیر بودند. چون که مواد خام به آن‌جا حمل می‌شد و صنعتگران که غالباً در پشت مغازه خود زندگی می‌کردند کالاهایی می‌ساختند که توسط بازرگانان به فروش می‌رفت. بازارها در شهرهای مختلف کاملاً شبیه به یکدیگر بود و بازرگانانی که در مراکز متعدد صاحب تاسیساتی بودند میان این بازارها ارتباط برقرار می‌کردند. (فرای، ۱۳۴۸: ۱۳۳) در بخارای عهد سامانیان بازارهایی وجود داشته است که موجب رونق تجارت و بازرگانی می‌شده است. ابن حوقل در مورد بازارهای بخارا این‌گونه می‌نویسد «در اندرون و بیرون باروی شهر، بازارهای به هم پیوسته است که در مواقع معینی دایر می‌شود و در آنها به داد و ستد چهارپا و لباس و برده و کالاهای دیگر از قبیل روی و مس و ظروف و لوازم ذخیره‌ای می‌پردازند» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۷) یکی از این بازارهای بخارا بازاری بوده است که آن را بازار ماخ روز می‌خواندند. این بازار سالی دو بار، هر باری یک روز برگزار می‌شده است. در این بازار کالای اصلی که فروخته می‌شد بت‌ها بودند که هر روز بیش از پنجاه هزار درم معامله می‌شد. مسئله‌ای که تعجب نرشی را به همراه داشته است. به همین دلیل در میان پیران و مشایخ بخارا در باب علت فروش بت‌ها در این بازار به تحقیق پرداخته است که اهل بخارا گفتند که مردم این شهر در قدیم بت پرست بوده‌اند؛ از این‌رو این بازار مرسوم شده بود از آن تاریخ در بازار ماخ بت می‌فروختند و تا زمان نرشی هم همچنان این رسم مانده بود. (نرشی، ۱۳۶۳:

۲۹) نرشخی همچنین از قول ابوالحسن نیشابوری در کتاب خزائن العلوم ذکر می‌کند که در قدیم پادشاهی در بخارا به نام ماخ بوده است این بازار به دستور او ساخته شده است که هر ساله درودگران و نقاشان وظیفه داشتند تا بت‌های زیادی را درست نمایند تا به این بازار که فقط در روزهای معینی برگزار می‌شد برسد. مردم هم در این روز استقبال زیادی از این بازار می‌کردند و از بت‌ها می‌خریدند و چنانچه آن بت گم می‌شد یا شکسته و کهنه می‌شد صبر می‌کردند تا بار دیگر بازار ماخ برگزار شود تا آن رو دوباره تهیه نمایند. (همان) بارتولد بانی این رسم را ماخ‌شاه افسانه‌ای می‌داند. روایت است که در این محل بیشه‌ای وجود داشته و بازار در سایه درختان تشکیل می‌شده، پادشاه در محلی که بعدها مسجدی در آنجا پدید آمد بر تخت جلوس می‌کرد و مردم را به خرید بتان ترغیب می‌نمود. بعد از آن در این‌جا معبد آتش پرستان بنا گردید و در روزهایی که بازار به راه بود مردم برای عبادت به آن محل روی می‌آوردند. در عهد اسلامی یکی از مساجد عمده و بزرگ را در این‌جا ساختند. نرشخی در این‌باره می‌نویسد: «آنجا که امروز مسجد جامع ماخ است صحرایی بوده است بر لب رود و درختان بسیار چنانکه در سایه درختان بازار بودی، و آن پادشاه بدین بازار آمدی و بر تخت نشستی بدین موضع که امروز مسجد ماخ است، تا مردمان رغبت کردند به خریدن بت. و هر کس خویشتن را بتی خریدی و به خانه بردی. باز این موضع آتش خانه شدی و در روز بازار چون مردم «جمع شدند همه به آتش خانه اندر آمدندی، و آتش پرستندی. و آن آتش خانه تا به وقت اسلام به جای بود. چون مسلمانان قوت گرفتند، آن مسجد را بر آن موضع بنا کردند، و امروز از مسجدهای معتبر بخارا است.» (نرشخی، ۱۳۶۳: ۳۰) علاوه بر بازار ماخ می‌توان از بازار بقالان نام برد که از قرون دوم هجری در بخارا ایجاد شده بود. این بازار مخصوص سبزی فروشی بود که از آن به «جوبه بقالان» یاد می‌کردند. بازار «پسته شکنان» هم از جمله بازارهای دیگری بود که در بخارا دایر شد. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۷۴) «بازار صرافان و بزازان» در کنار بازار کفشگران هم جزو بازارهای فعال بخارا در عصر سامانیان بود که در آتش سوزی سال ۳۲۵ قمری در زمان امیر نصر بن احمد بن اسماعیل از بین رفتند. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۱۳۱) فرای در تاریخ بخارا می‌نویسد: «شواهدی در دست داریم که دلالت بر تخصص هر شهری در ساختن نوعی کالا دارد، و شکی نیست که این امر موجب گردید که سطح مهارت در کار دستی بالا برود. درست همان‌گونه که کتابت حرفه محدودی بود و فقط افراد منتخب کاتبان حق ورود به صنف ایشان را داشتند، کفشگران، نقره‌کاران، و دیگران نیز در صنفهای حرفه‌ای متشکل می‌شدند. در بخارا نیز نظیر شهرهای دیگر سرزمینهای شرقی جهان اسلام، صنفها بصورت مجامع مذهبی درآمدند و بعدها به فرق درویش پیوستند....» (فرای، ۱۳۴۸: ۲۲۰)

ابن حوقل مردم بخارا را جزو خوش معامله‌ترین و کم‌ضررترین مردم کل خراسان در داد و ستد می‌داند. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۷) بر اساس منابع تاریخی دارالضرب‌های بخارا جزو معروف‌ترین دارالضرب‌ها به شمار می‌رفته‌اند. هر چند از این نظر هم پایه شهر معروف سمرقند نبوده است. بنا به گفته نرشخی نخستین کسی که در بخارا اقدام به ضرب سکه می‌کند پادشاهی بود به نام «کانا» که دستور می‌دهد در بخارا سکه‌هایی از نقره خالص ضرب نمایند. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۴۹) به طور کلی داد و ستد مردم در بخارا به روزگار سامانیان بر درهم بود و با دینار زر داد و ستد نمی‌شد. زر مانند دیگر کالاها خرید و فروش می‌شد. درمی مرکب از آهن، مس، آنک (سرب) و مواد دیگر داشتند که در دوران اسلام ضرب شده «غطریفی» خوانده می‌شد (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۴۵) بنا به گزارش نرشخی علت اینکه اهل بخارا به این سکه روی آوردند این بود که بعد از فتوحات مسلمانان در منطقه بخارا نقره به اندازه زیادی کاهش یافت. بنابراین برای جبران این مساله اقدام به ضرب سکه‌ای به عنوان جایگزین نقره نمودند. نرشخی در باب ضرب این سکه و همچنین اقدامات انجام شده برای خروج آن می‌نویسد: «چون غطریف بن عطا به خراسان آمد، اشراف و اعیان بخارا به نزدیک او رفتند، و از وی درخواستند که ما را سیم نمانده است در شهر. امیر خراسان فرماید تا ما را سیم زنند، (و) به همان سکه زنند که (سیم بخارا) در قدیم بوده است، و سیمی [می] باید که هیچ کس از دست ما بیرون نکند و از شهر ما بیرون نبرد تا [ما] با سیم (میان) خویش، معاملت بکنیم، و بدان تاریخ نقره عزیز بود، پس اهل شهر را جمع کردند، و از ایشان رأی خواستند در این معنی، بر آن اتفاق کردند که سیم زنند از شش چیز: زر و نقره و مشک و ارزیز و آهن و مس، همچنان کردند، و به آن سکه (پیشین) به نام غطریف زدند، یعنی سیم غطریفی. و عامه مردمان غطریفی خواندندی.» (نرشخی، ۱۳۶۳: ۵۱) نرشخی در ادامه گزارش می‌دهد که این سکه جدید ابتدا مورد استقبال اهل بخارا واقع نشد. چرا که سکه غطریفی چون از نقره خالص نبود رنگ آن سیاه شده بود. همین امر موجب ناراحتی حاکم بخارا شد و از این رو «قیمت نهادند شش غدرفی به يك درم سنگ نقره خالص» و این قیمت‌گذاری تا زمان رایج شدن سکه غطریفی ادامه داشت. نرشخی همچنین علت گران شدن خراج بخارا را هم قیمت‌گذاری جدید سکه غطریفی عنوان می‌کند. (همان) ابن فضلان هم که به حضور نصر بن احمد سامانی رسیده بود در باب مسکوکات بخارا در این دوره اطلاعات زیادی به دست می‌دهد. ابن فضلان از وجود انواع درهم یاد می‌کند از جمله درهم‌های غطریفی که آنها را از جنس مس زرد رنگ می‌داند. او گزارش می‌دهد که این سکه‌ها را با عدد شمارش می‌کردند و با وزن آن کاری نداشتند و یکصد دانه آن معادل یک درهم نقره بودند. مردم برای مهریه زنان

خودشان از این سکه و با شرایط مشخص استفاده می کردند: «فلانی پسر فلان، دختر فلان را به این شرایط .... و با یک هزار درهم غطریفی به عقد همسری خود درآوردم» (ابن فضلان، ۱۳۴۵: ۶۳) ابن فضلان همچنین اشاره دارد که در معاملات املاک و خرید برده نیز از این درهم استفاده می شده است. ضمن این که درهم های دیگر ری نیز در بخارا عصر سامانی از جمله درهم های زرد رنگی که سمرقندی نامیده می شدند وجود داشته است. (همان) علاوه بر درهم غطریفی، درهم هایی دیگر نیز اهل بخارا داشتند که «مسیبیه» و «محمديه» خوانده می شد و همگی بعد از اسلام ضرب شده است. (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۱/۴۵۴) به گفته ابن حوقل اهل بخارا همه این مسکوکات را به درهم اسماعیلیه ترجیح می دادند. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۷) ریچارد فرای در کتاب بخارا دستاورد قرون وسطی به این مسئله اشاره می کند که سکه های نقره ای سامانیان که در روسیه، لهستان و اسکاندیناوی به دست آمده دال بر حجم زیاد مبادله کالا با اروپای شرقی می باشد. (فرای، ۱۳۴۸: ۱۰۵) بنا به گفته اصطخری در درون شهر بخارا و بیرون آن در زمان سامانیان بازارهایی وجود داشته است که بازرگانی در آن رونق داشته است. کرباس زندیچی یکی از کالاهایی بود که از این بازار به اطراف فرستاده می شده است. در دوره سامانیان در بخارا جمعه بازار برپا می شد که فقط در روز جمعه برگزار می شدند و از هر شهری و نواحی بازرگانی به آن جا می آمدند که روی و کرباس مهم ترین کالاهایی بود که از آن جا با خود می بردند. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۱) یکی از نواحی بخارا تحت عنوان زنده بازارهای بزرگی داشته است که این بازارها در کنار مسجد جامع شهر واقع شده بود که مردم بعد از نماز ظهر روز جمعه این بازار را برپا می کردند که کرباس زندیچی مهم ترین محصول بازرگانی و صادراتی آن بود. این کرباس را در بسیاری از دیه های بخارا می یافتند که آن را هم زندیچی می نامیدند. چرا که اولاً در این روستا پدید آمده بود و از آن کرباس به همه ولایت ها همانند عراق و فارس و کرمان و هندوستان و غیره می بردند و همه بزرگان و پادشاهان از آن جامه استفاده می کردند و حاضر بودند آن را به قیمت دیا بخرند. (همان، ۲۲) طواویس یکی از نواحی بخارا بوده است که به گفته منابع تاریخی دانشمندان زیادی داشته است. (بروسوی، ۱۴۲۷: ۴۵۸) یاقوت حموی در معجم البلدان طواویس را جمع طواوس می داند و آن را اسم ناحیه ای از اعمال بخارا می داند که بین بخارا و سمرقند واقع شده است. (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۱/۴۵۲) طواویس به عنوان یکی از شهرهای بخارا کرباس زیادی تولید می کرد. (معین الفقرا، ۱۳۷۰: ۱۴) اصطخری نیز به این بازار اشاره می کند: «این شهر را بازار و مجمعی است که مردم از اقطار ماوراء النهر در وقت معینی از سال برای دیدن بازار و خرید و فروش گرد آیند، و کرباس بسیار در آنجا حاصل شود، و از آن جا به دیگر شهرها برند. او را قلعه و

شهرستان و مسجد جامع در خود شهر است.» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۴۴) ابن حوقل هم به بازار بزرگ طواویس اشاره می‌کند که مردم از اطراف خراسان در وقت و زمان معین از سال به آن جا می‌آمدند. از این ناحیه جامه‌های پنبه‌ای فراوان به عراق صادر می‌شد. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۶) وجود این بازارهای بزرگ بر قدرت اقتصادی بالایی مردم طواویس اثرگذار بود. چنانکه مردم این منطقه هر یک در منزل خود به رسم تجمل چند طاووس نگهداری می‌کردند و برای همین، نام اصلی شهر را که (ارقود) بود به طواویس تغییر نام دادند. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۱۸) بازار طواویس در تیرماه به مدت ده روز برگزار می‌شد. در واقع آنچه از گفته‌های نرشخی برمی‌آید این بازار محل خرید و فروش کالاهای دست دوم و اسقاطی بوده است. از برده گرفته تا چارپایان در این بازار مورد داد و ستد قرار می‌گرفت. در این بازار «رد کردن امکان و سامان نبودی و هیچ شرط نپذیرفتی. نه فروشنده و نه خرنده را» (نرشخی، ۱۳۶۳: ۱۸) بنابراین تردد بیش از ده هزار نفر از تجار و بازرگانان از نقاط مختلف بر رونق تجاری و اقتصادی آن افزوده بود. نکته قابل توجه در مردم این منطقه این بود که اقتصاد آن‌ها متکی بر اقتصاد تجاری بود تا کشاورزی. از این‌رو مردم طواویس از توان مالی بالایی برخوردار بودند. بیرونی در کتاب آثارالباقیه گفته است که بازاری به مدت هفت روز در آن‌جا به پا می‌شود و تجار از اطراف بدانجا گرد آیند و ابتداء آن روز پانزدهم مه‌خند است. (بیرونی، ۱۳۶۳: ۳۶۳) کالائی که در این بازار به فروش می‌رسیده حتی اگر بعد از آن معلوم می‌گشته که از طرف فروشنده تقلب و تزویری در کار بوده پس گرفته نمی‌شده. مردم از نقاط مختلفه ماوراءالنهر حتی از فرغانه و شاش [چاچ] به این بازار روی می‌آوردند. ساکنان محل کمتر به کشاورزی می‌پرداختند و این بازارهای فصلی منبع ثروت و درآمد ایشان بوده است. (بارتولد، ۱۳۶۶: ۱/۲۳۸) یکی از نواحی دیگر بخارا که دارای بازار وسیعی بود وردانه بود که یک ده بزرگ بود که دارای کهن دژ و حصاری بزرگ و استوار بود. در این‌جا هر هفته يك روز بازار برپا بوده است و بازرگانی و معاملات بسیار در آن انجام می‌شده است که زندیجی آن از بقیه معروف‌تر بوده است. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۲) قریه ایسکجکت یا سکجکت از لحاظ بازرگانی و صنعت نقاط مهمی شمرده می‌شدند. رفاه و ثروت ساکنان آنها بر این دو رکن استوار بود. خوراک ایشان از طریق کشت اراضی نمی‌توانست تأمین شود. در اسکجکت هر روز پنجشنبه و در شرغ هر روز جمعه بازار برپا بوده است. علاوه بر این در شرغ بازار فصلی وسط زمستان تشکیل می‌شده است. (بارتولد، ۱۳۶۶: ۱/۲۳۹) نزدیک‌ترین کوهها به بخارا کوهی تحت عنوان «ورکه» بود که در آن کان نوشادر و کان زاج و معدن آهن و ژیوه و مس و سرب و معدن زر و همچنین چشمه نفت و قیردر آن به فور دیده می‌شد. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۴۴)

علاوه بر این در اطراف بخارا بازار روستای شرغ وجود داشت که در اواسط زمستان سالی ده روز برپا می‌شد و از ولایت‌های گوناگون بازرگانی به این بازار رجوع می‌کردند. بنا به گفته نرشخی مهم‌ترین محصولات عرضه شده در این بازار حلوائ مغزین، قنطاری، چوب، ماهی شور و ماهی تازه شور و انواع پوستین گوسفندی بود. علاوه بر این در مقطع زمانی روی و کرباس هم عرضه می‌شد. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۰-۲۱) علاوه بر این در دوره سامانی بازار روستای رخشه از توابع بخارا نیز دارای رونق فراوانی بود. این بازار در هر ماه دو بار برگزار می‌شده است. «چون بازار آخرین سال باشد، بیست روز بازار کنند و بیست و یکم (روز) نوروز کنند، و آن را نوروز کشاورزان گویند و کشاورزان بخارا از آن حساب (را) نگهدارند، و بر آن اعتبار کنند و نوروز مغان بعد از آن به پنج‌روز باشد.» (نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۵)

با وجود بازارهای عظیم و پر رونق در بخارا در دوره سامانی اما افزایش جمعیت این شهر گاهی مشکلات فراوانی را به وجود می‌آورد. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۲۸۱) ابن حوقل اشاره دارد که سکنه بخارا به اندازه‌ای زیاد بود که خوار و بار و محصولاتشان برای شهر کفایت نمی‌کرد و مقداری از ارزاق و مایحتاج آنان از سایر نواحی ماوراء النهر تأمین می‌شد. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۵) نرشخی در تاریخ بخارا آتش سوزی‌هایی را در دوره پادشاهی امیر سعید نصر بن احمد بن اسماعیل در سال ۳۱۷ و ۳۲۵ یاد می‌کند. در این آتش سوزی‌ها بازارهای زیادی در بخارا از بین رفت. نرشخی آغاز آتش سوزی را از دکان هریسه پزی می‌داند. در اثر این آتش سوزی «جمله بازارها در گرفت، و محله دروازه سمرقند جمله بسوخت» (نرشخی، ۱۳۶۳: ۱۳۱) میزان خسارات بر روی هم ۱۰۰۰۰ درهم و اندی قلمداد شده بود. (همان، ۱۳۲)

بعد از ساخت بغداد به عنوان پایتخت خلافت عباسی تجارت منطقه ماوراء النهر و خراسان با بغداد از رونق خاصی برخوردار شد به طوری که فرش‌ها و جامه‌های پشمی را از بخارا به بغداد می‌بردند. همزمان با وسعت یافتن شهر بغداد، بازرگانی از خراسان و ماوراء النهر به خصوص بخارا و خوارزم به آنجا می‌رفتند. (دوری، ۱۳۷۵: ۱۱) به طور کلی مهم‌ترین کالاهای بازرگانی بخارا شامل حلوائ مغزی از دوشاب و چوب‌ها و ماهی شور و ماهی تازه، و پوست‌های گوسفندی به خصوص پوست بره، جامه نازک و تنگ اسپ و چربو و جامه اشمونی و پیه و پوست آهو و روغن سر (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۷۶) البسه نخی و فرش و مصلی و جامه‌های پسندیده پشمی (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۴۴) جامه کرباس ثقیل بنام بخاری که اعراب آن را می‌پسندیدند می‌شده است.

یکی از شهرهایی که با بغداد تجارت داشته است بیکند بود. این شهر که جزو نواحی بخارا

محسوب می‌شده رباط‌های بسیار داشته است. نرخشی به نقل از محمد بن جعفر در کتاب تاریخ بخارا آورده است که بیکند بیش از هزار رباط داشته است. اگرچه این تعداد رباط جای تأمل دارد و به نظر می‌رسد مبالغه صورت گرفته است؛ اما نرخشی درصدد بوده است تا رونق بیکند را به تصویر بکشد. علاوه دیهای بخارا و علت این امر هم آن بوده است که بیکند جای بزرگ و نیکویی بوده است. «اهل هر دیهی آنجا رباطی بنا کرده‌اند و جماعتی را نشانده و نفقه ایشان را از دیهه (می) فرستادند و زمستان (که) وقت غلبه کافران می‌شد از هر دیهی آنجا مردم بسیار جمع آمده غزو می‌کردند». (نرخشی، ۱۳۶۳: ۲۵) رباط‌های عصر سامانی دارای اتاق‌هایی بودند که در آن به مسافران خدمت‌رسانی می‌کردند. (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۸) بر اساس منابع تاریخی و جغرافیایی قرون نخستین اسلامی، اهل بیکند همه بازرگان بوده‌اند و با چین و دیگر مناطق به بازرگانی و تجارت مشغول بودند. از این‌رو آنها مردمانی به غایت توانگر بوده‌اند. چنانکه بعد از فتح قتیبه بن مسلم و غارت و ویرانی این شهر، بازرگانان بیکند با ثروتی زیاد توانستند بار دیگر این شهر را احیا نمایند. (نرخشی، ۱۳۶۳: ۲۶) تعداد زیاد رباط‌های این شهر شاید گواهی بر درستی این مطلب باشد. (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۸۵، حدود العالم، ۱۳۶۱: ۳۳۰) به همین دلیل است که منابع تاریخی از بیکند به عنوان «مدینه التجار» یاد می‌کنند. (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۷۵)

سیاست‌های حکام سامانی نیز در رونق تجارت و بازرگانی نقش مهمی داشته است. منابع تاریخ اشاره دارند که در عصر سامانی عوارض گمرکی و نظام حق عبور جزو نظام مالی سامانیان بوده است. (ابن فضلان، ۱۳۴۵: ۶۳) امرای سامانی برای رونق اقتصادی و تجارت خارجی به دنبال کاهش مالیات‌های تجاری بودند. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۸؛ عوفی، ۱۹۰۶: ۳۲) چنانکه مقدسی اشاره دارد که «مالیات‌ها سبک هستند و تنها برای بردگان در کرانه جیحون [سنگین] است و سخت‌گیری می‌شود. هیچ غلام بی‌اجازه‌نامه ویژه از سلطان، حق گذشتن از آب را ندارد. هفتاد تا صد درم نیز همراه جواز می‌ستانند. همین اندازه نیز از کنیزکان مالیات می‌گیرند، ولی درباره اینان اگر ترك باشند جواز لازم نیست. از زنان نیز بیست تا سی درم و از شتر دو درم و از کالای هر سوار يك درم می‌ستانند. شمش نقره را نیز به بخارا باز می‌گردانند، بازرسی‌ها نیز همه برای همین است». (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۹۹) بنابراین مشخص است که امرای سامانی در گرفتن مالیات زیادی سخت‌گیری نمی‌کردند. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۸؛ سماعی، ۱۴۱۹: ۷/۲۵) یکی دیگر از اقدامات سامانیان برای رونق تجارت و بازرگانی برقراری نظم و امنیت در جاده‌ها بود. مقدسی بهترین توصیف را از امنیت بخارا در عصر سامانی به تصویر می‌کشد: «و اگر امنیت و داد بخواهی، گویند: به بخارا، غرج الشار، صعده و قرطبه برو» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۹) این

مطلب را جرفادقانی هم تایید می‌نماید. (جرفادقانی، ۲۵۳۷: ۱۱۰) بنابراین با تلاش‌های حکام سامانی یک ارتباط خوبی بین آنها و مردم وجود داشت. چنانکه ابن حوقل در این زمینه می‌نویسد: «مردم بخارا به حسن طاعت و فرمان بردن از حاکمان معروف‌اند و کم‌تر اتفاق می‌افتد با حاکمی مخالفت کنند، و به همین سبب امرا آنجا را برای اقامت بر سایر جاهای ماوراء النهر ترجیح می‌دهند» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۸) بازرگانان بر اثر امنیت و آرامشی که در قلمرو حکومت سامانی حکم‌فرما شده بود موفق به گسترش داد و ستد با چین و اروپای شرقی شده بودند به طوری که آن‌ها با کسب درآمدهایی سرشار به خرید اموالک کشاورزی روی آوردند و به این ترتیب تجار زمین‌دار در برابر زمین‌داران سنتی قد علم کردند. (جاحظ، ۱۹۹۶: ۳۳)

### ج- صنعت نساجی و رونق کارگاه‌های صنایع دستی در بخارا

در دوره سامانیان شهر بخارا به عنوان مرکز هنر قدیم و رونق نساجی مطرح بوده است. چنانکه در بخارا کارگاهی میان حصار و شهرستان در نزدیکی مسجد جامع بوده است که این کارگاه معروف به بیت الطراز بوده است. نرشخی در توصیف این کارگاه می‌نویسد: «در آن بساط و شادروان‌ها می‌بافتند و انواع یزدی‌ها و بالش‌ها و (مصلی‌ها) و بردی‌های فندقی از جهت خلیفه بافتند، که به یکی شادروان خراج بخارا خرج شدی و از بغداد هر سال عاملی علی‌حده بیامدی، و هر چه خراج بخارا بودی از این جامه عوض بردی» (نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۸) از این گفته نرشخی چنین برمی‌آید که صنعت بافندگی و نساجی در بخارا از رونق زیادی برخوردار بوده است؛ چنانکه منسوجاتی همانند شادروان بسیار مورد توجه بوده است و همه ساله از طرف خلیفه عباسی به بخارا می‌آمد و مقداری از شادروان‌ها را به عوض خراج می‌برد. این منسوجات فقط به عراق صادر نمی‌شد؛ بلکه تا شام مصر و روم هم فرستاده می‌شد. به همین دلیل است که اعراب، بخارا را مدینه‌التجار می‌گفتند. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۳۰) با وجود رونق کارگاه‌های نساجی اما به دلایل نامعلومی این کارگاه تعطیل می‌شود و افرادی که در این صنعت مهارت زیادی کسب کرده بودند به شهرهای مجاور مهاجرت کردند. با این وجود هنوز هم استادانی در شهر بخارا بودند که این شغل را به صورت ثابت انجام می‌دادند. چرا که از نقاط مختلف بازرگانانی به بخارا می‌آمدند چنانکه مردم زندیجی می‌بردند. رونق این منسوجات تولیدی در کارگاه‌های بخارا باعث شده بود تا هنرمندان زیادی به دنبال کسب مهارت و کار بر روی این پارچه‌های گران‌بها باشند. اما به گفته نرشخی کیفیت پارچه‌های تولیدی سایر نقاط از جمله خراسان به کیفیت زندیجی بخارا نمی‌رسید. چنانکه بعد از تعطیلی کارگاه‌های بخارا عده‌ای از صنعتگران به بخارا رفتند و ادوات و آلات این

شغل را هم ساخته بودند و از آن جامه‌های زیادی بافته بودند؛ اما هرگز قابل مقایسه با محصولات تولیدی بخارا نبود. بافت و کیفیت این پارچه در بخارا به حدی بود که به نقاطی همانند شام و مصر هم صادر می‌شد. به گفته نرشخی هیچ پادشاه و امیر و رئیس و صاحب منصب نبود که طالب این جامه نباشد. رنگ این جامه‌ها سرخ و سفید و سبز بود. (همان، ۲۹) در عهد عباسیان قسمتی از پیشه‌وران در کارگاه‌هایی که «بیت الطراز» نامیده می‌شد و متعلق به خلیفه بود، کار می‌کردند و در آن کارگاه‌ها، جامه‌های فاخری که به رسم خلعت به درباریان اعطا می‌شد و نیز پارچه‌های گوناگون دیگر تهیه می‌کردند. کارگاه‌ها، در تحت نظر مأموری که «صاحب الطراز» نام داشت، اداره می‌شد و این شخص محصول کارگاه را به دربار عرضه می‌کرد و مازاد را به فروش می‌رسانید. به هر يك از پیشه‌وران روزی نیم درهم دستمزد می‌دادند. علاوه بر این یکی از نواحی بخارا جایی به نام «وذار» بود که «در آن جامه‌های وزاری بافته می‌شد. جامه‌های وزاری به رنگ مصمت (پارچه ابریشمی خالص یا یکرنگ به رنگ سفید) بود و به گفته مقدسی برخی سلاطین بغداد آن را دیبای خراسان می‌خواند. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۷۶) این جامه‌ها خام و اندکی زرد رنگ بودند. این پارچه‌ها بسیار نرم همانند خز بودند که به فارس و عراق و سایر نواحی صادر می‌شد. جامه‌های ویداری بسیار بادوام بود و لباس امیر، وزیر و قاضی و همچنین توده مردم در کنار لشکریان و سپاهیان همگی از جامه ویداری استفاده می‌کردند. به گفته ابن حوقل بهای یک لباس ویداری بین دو تا بیست دینار بوده است و ابن حوقل پنج سال از این پارچه استفاده می‌کرده است. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۴۵) برخی از منابع قیمت جامه‌های ویداری را بین سه تا ده دینار عنوان می‌کنند. (حمیری، ۱۹۸۴: ۶۰۷) بنابراین وجود کارگاه‌های متنوع و همچنین توجه به منسوجات بخارا باعث شده بود تا جامه‌های پنبه‌ای معروف به بخاری که سنگین و محکم بافته می‌شده است مورد توجه مردم دیگر نقاط از جمله اعراب قرار گیرد. همچنین فرش و جامه پشمی برای رختخواب که بسیار زیبا هم بوده است به همراه زیلو و سجاده محراب در بخارا و نواحی آن تهیه می‌شد و به عراق و دیگر نواحی صادر می‌شد. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۷-۲۱۸)

#### د- راه‌های تجاری بخارا و نقش آن در رونق و شکوفایی این منطقه

بدون شک یکی از عوامل اصلی در رونق تجارت امنیت راه‌های تجاری می‌باشد. در عصر سامانی راه‌های ارتباطی از این خصیصه برخوردار بودند و یکی از عوامل رونق تجارت در ماوراءالنهر همین برقراری امنیت برای کاروان‌های تجاری می‌باشد. (متز، ۱۳۶۴: ۲/۲۰۷؛ باسورث، ۲۵۳۶: ۲۹) مقدسی هم در کتاب احسن التقاسیم این مسئله را تأیید

می‌کند: «اگر امنیت و داد بخواهی، گویند: به بخارا، غرج الشار، صعده، قرطبه برو (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۴۹) همان طور که پیشتر هم اشاره شد امنیت و آسایش ناشی از سیاست‌های حکام سامانی موجب رونق تجارت به خصوص در محدوده جاده ابریشم می‌شد (بولنوا، ۱۳۸۳: ۲۹) و شهرهایی همانند بخارا و سمرقند به دلیل عبور کاروان‌های تجاری از آبادانی بالایی برخوردار شده بودند. حکام سامانی تدابیر ویژه‌ای برای مقابله با راهزنان اتخاذ کرده بودند. (اشپولر، ۱۳۸۶: ۲/۲۶۴) ضمن این که ساخت کاروانسراهایی برای استراحت بازرگانان و تجار بر رونق تجارت می‌افزود. در دوره سامانی رباط‌هایی فراوانی ساخته شده بود که مسافران می‌توانستند از آن استفاده کنند. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۱۹۴) برخی از حکام سامانی نیز زمین‌هایی را برای ساختن رباط‌هایی که مسافران از آن‌ها استفاده کنند اختصاص می‌دادند. چنانچه امیر اسماعیل سامانی زمین‌هایی را برای این مسئله اختصاص داد: «پیوسته حصار بخارا صحرایی است که آن را دشتک خوانند، و جمله نیستان‌ها بوده است. امیر اسماعیل آن موضع را هم بخريد از حسن بن محمد بن طالوت به ده هزار درم، و هم سال اول (ده هزار درم) از بهای نی به حاصل آمد. اسماعیل آن موضع را وقف کرد بر مسجد جامع.» (همان، ۳۹-۴۰)

یکی از راه‌های مهم تجاری در عصر سامانی راه بخارا به خوارزم بود که هم راه زمینی بین دو شهر وجود داشته است و هم راه آبی. یکی از راه‌های زمینی میان بخارا و خوارزم را ابن حوقل این گونه توصیف می‌کند: «راه بخارا به خوارزم از طریق بیابان چنین است. از بخارا به فرخسه یک منزل و سراسر آباد است و از آنجا هشت منزل سراسر بیابان و فاقد منزل و رباط و سکنه است و تنها به سبب وجود چراگاه‌ها و کوتاهی مسافت از این راه می‌روند و به همین جهت منزل‌های آن شناخته نیست و کسی که خواهد از جیحون به آمل می‌گذرد.» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۴۳) چیزی که در گزارش ابن حوقل استنباط می‌شود این است که راه آن سوی جیحون بر این راه برتری داشته است. دلیل این مسئله هم این بود که مسیر مستقیم بخارا به خوارزم دارای مشکلات و خطرات زیادی بوده است. یکی از این خطرهای احتمالی طغیان رودهای بخش سفای جیحون بوده است. به عنوان مثال شهر کاث به عنوان مهم‌ترین شهر خوارزم در نتیجه این سیلاب‌ها متحمل خسارت‌های زیادی شد. (خیراندیش، ۱۳۸۰: ۲) بنابراین راه کاث به بخارا هم راهی کم خطر تلقی نمی‌شد. ضمن این که تامین امنیت این راه نیز کار بسیاری دشواری بود. بنابراین بهترین راه برای ارتباط میان بخارا و خوارزم راهی بود که به شهر جرجانیه ختم می‌شد و به نوشته ابن حوقل دوازده منزل هم فاصله داشته است. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۴۲) علت استفاده زیاد این مسیر امنیت نسبتاً کامل آن بوده است. چنانکه اهل بخارا برای عبور از جیحون و شاخه‌هایش

یک معبر یا گذرگاه خاصی داشتند. ( مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۲۳-۴۲۴/۲)

علاوه بر این مسیر بخارا به خوارزم به عنوان شاهراهی برای تجارت با اروپای شرقی هم محسوب می‌شد. این مسیر تجاری عرصه مبادله کالاهای زیادی بود. چرا که این دو پایگاه تمدنی و اقتصادی با اقصی نقاط گیتی ارتباطات فراوانی داشتند. چنانکه بخارا از طریق شاهراه‌های تجاری به منطقه سمرقند و سواحل سیحون دسترسی پیدا کرده بود. ضمن این‌که با نواحی همانند چین و هند روابط تجاری مناسبی برقرار کرده بودند. از این‌رو کالاهایی مانند ظروف و عطرها و همچنین ادویه به بخارا وارد می‌شد. از این‌رو بخارا و خوارزم مانند دو دروازه‌ای به شمار می‌رفتند که یکی به سمت شرق و دیگری به سمت غرب باز می‌شدند. (خیراندیش، ۱۳۸۰: ۷)

یکی از مناطقی که در عصر سامانی تجارت با آن از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بود تجارت با چین بود. (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۱۶۴) این روابط تجاری در زمان نصر بن احمد سامانی از رونق زیادی برخوردار بود. چنانکه سرزمین چین سفیری را به بخارا فرستاد تا بر افزایش روابط تجاری دو کشور کمک کند. (ابن زیبر، ۱۹۸۴: ۱۳۹-۱۴۰) خراسان در مرزهای شمال شرقی یعنی در سرحدات شرقی تخار و واخان با بلاد غربی چین می‌پیوست، و این مملکت وسیع تاریخی، ثقافت و مدنیته قدیم داشت، کالای بازرگانی چین همواره در بخارا و بلاد آسیای میانه فروخته می‌شد، و هنگامیکه لشکریان عرب به کرانه‌های سیحون رسیدند، رفت و آمد بازرگانان اسلامی به چین میسر گشت، و کاروانهای تاجران، بغرض آوردن حریر و جامه‌های ابریشمین چینی به آن کشور می‌رفتند، و این تجارت چین تا وقتی در خراسان فراوان بود، که در مرو صنعت ابریشم‌بافی رواج یافت.

### نتیجه گیری

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که اقتصاد تجاری بخارا در عصر سامانیان که بیشتر یک اقتصاد تجاری بود تا اقتصاد کشاورزی، متکی به محصولات مختلفی به خصوص منسوجات، صنعت بافندگی، کارگاه‌های مهم و نیز بازارهایی متعدد و فعالی بود که در بخارا و مناطق اطراف آن برپا می‌شد. اگرچه یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی بخارا در عصر سامانی کشاورزی بود که رودخانه‌های فصلی و ایجاد کانال‌های مصنوعی و همچنین نظام آبیاری منظم از سوی حکام سامانی موجب رونق باغداری و افزایش محصولات کشاورزی و صادر شدن آن به سایر نقاط بود. به گفته راوندی بعضی از امور عملی مردم قلمرو سامانیان نسبت به زمان خود، مرفی‌تر بودند که یکی از این امور مسئله آبیاری و توزیع آب بود. «زیرا مسئله آب برای مردم این منطقه، مسئله حیات و ممات بود. شهر مجاور بخارا، یعنی سمرقند، بخاطر شبکه لوله‌های توزیع آب، زبازد بود و می‌توان تصور کرد که بخارا نیز از این لحاظ، خیلی عقب مانده نبود. شبکه آبیاری در واحه بخارا، توأم با مشکل مسئله حقوق کشاورزان در نحوه استفاده از آب بود. در این دوره، از کاریز استفاده فراوان می‌شد.» (راوندی، ۱۳۵۴: ۱۰۶/۳) در این بین سیاست‌های اقتصادی حکام سامانی نیز در رونق اقتصادی بخارا بسیار مهم بود. مهم‌ترین این اقدامات، در حیطه تامین امنیت و تقویت زیر ساخت‌های اقتصادی در دو بخش تجاری و کشاورزی بود. علاوه بر حکام سامانی نباید از نقش نخبگان بخارا از جمله ابوحاتم یساری در سامان دادن به اوضاع چشم پوشی نمود.

## منابع

- ابن حوقل (۱۳۶۶). سفرنامه ابن حوقل، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابن خردادبه، عبید الله بن عبد الله (۱۸۸۹). المسالك و الممالك، ابن خردادبه، ترجمه سعید خاگرد، بیروت: دار صادر.
- ابن زبیر، احمد بن رشید (۱۹۸۴). الذخائر و التحف، تحقیق محمد حمید الله، کویت: مطبعه حکومت الکویت.
- ابن فضلان، احمد (۱۹۸۷). سفرنامه ابن فضلان، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: انتشارات شرق.
- ابن فقیه همدانی، احمد بن محمد (۱۳۴۹). مختصر البلدان، ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد (۱۳۶۳). الآثار الباقية عن القرون الخالية، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران: امیرکبیر.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۶). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری و مریم میراحمدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد الفارسی (۱۳۴۰). مسالك و ممالك، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۶۶). ترکستان نامه، ترکستان در عهد هجوم مغول، تهران: آگاه.
- باسورث، ادموند کلیفورد (۲۵۳۶). تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- بروسوی، محمد بن علی (۱۴۲۷). أوضح المسالك إلى معرفة البلدان و الممالك، به تصحیح مهدی عبدالرواضیه، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- بولنوا، لوس (۱۳۸۳). راه ابریشم، ترجمه ملک ناصر نوبان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۹۶۶). کتاب التبصر بالتجارة، تحقیق حسن حسنی عبدالوهاب، بیروت: دارالکتاب الجدید.
- جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر (۲۵۳۷). ترجمه تاریخ یمینی. به اهتمام جعفر شعار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جوینی، عطاملک (۱۳۶۷). تاریخ جهانگشای جوینی، تهران: ارغوان.

- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸). اشکال العالم، ترجمه عبدالسلام کاتب، تصحیح فیروز منصوری، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حدود العالم من المشرق الى المغرب (۱۳۶۱) به کوشش منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.
- خسروی، خسرو (بی تا). بخارا، ولایت و شهری در جمهوری ازبکستان، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۸۰). مسیر تجاری بخارا و خیوه و اهمیت آن در تاریخ تمدن جهانی، پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۳۰، صص ۱-۱۴.
- راوندی، مرتضی (۱۳۵۴). تاریخ اجتماعی ایران، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- سمعانی، عبدالکریم (۱۴۱۹). الانساب، به تصحیح عبدالله عمر الباوری، بیروت: دارالفکر.
- عوفی، محمد (۱۹۰۶ م). لباب الالباب. تصحیح ادوارد براون، به اهتمام محمد بن عبدالوهاب قزوینی، لیدن: بریل.
- فرای، ریچارد (۱۳۴۸). بخارا دستاورد قرون وسطی، ترجمه محمود محمودی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه میرزا جهانگیر قاجار، تهران: امیرکبیر.
- لسترنج، گای (۱۳۷۷). جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمد عرفان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- متز، آدام (۱۳۶۴). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه غلامرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۴۹). التنبيه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معین الفقراء، احمد بن محمود (۱۳۷۰). تاریخ ملازاده در ذکر مزارات بخارا، به تصحیح احمد گلچین معانی، تهران: مرکز مطالعات ایرانی.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱). أحسن التقاسیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان.
- نرشخی، محمد بن جعفر (۱۳۶۳). تاریخ بخارا، تهران: توس.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبد الله (۱۳۸۰). معجم البلدان، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).